

پیوند شعر و موسیقی آوازی

حسین دهلوی





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰

www.mahoor.com

info@mahoor.com

پیوند شعر و موسیقی آوازی

نوشته‌ی حسین دهلوی

ویرایش	سیما شاپوریان
طرح روی جلد	محمد افتخاری
نت‌نگار	مرتضی ممیز
حروف‌نگار	فرزاد زعیم
صفحه‌آرا	حمید قربان‌جو
چاپ هفتم	کریم بختیارفر
تعداد	۱۴۰۱
لیتوگرافی	۱۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی	باران
	پژمان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۰۹-۶۴-۴ ISBN: 978-964-6409-64-4

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار.....
۱۷	سرآغاز.....
	گفتار یکم
۱۹	روش‌های پیوند شعر و موسیقی آوازی.....
	گفتار دوم
۲۳	ریتم.....
۲۳	حروف متحرک و ساکن (مصوت و صامت).....
۲۵	هجاء.....
۲۶	انواع هجاء.....
۲۶	۱. هجاء کوتاه.....
۲۶	۲. هجاء بلند.....
۲۷	۳. هجاء کشیده.....
۲۹	۴. هجاء کشیده‌تر.....
۲۹	مصوت مرکب.....

۳۰ «ای» کوتاه

۳۱ خلاصه

گفتار سوم

۳۳ آوانویسی کلام و اشعار موسیقی آوازی

۳۷ توضیحات

گفتار چهارم

۴۷ برابریابی وزن کلام در موسیقی آوازی

۵۰ برابریابی ریتم موسیقایی مواردی از گفتار پیشین

۵۶ برابریابی ریتم کلماتی که با مصوت مرکب به کار می‌روند

۵۷ نشانه‌های هجا

۵۹ به کارگیری هجای کوتاه بجای هجای بلند

۶۳ به کارگیری هجای بلند + کوتاه بجای هجای کشیده

۶۸ یادآوری

۷۰ کاربرد «ای» کوتاه در توالی کلمات

۷۲ کاربرد کوتاه مصوت «او» در توالی کلمات

گفتار پنجم

۷۵ میزان‌بندی ریتم اشعار کلاسیک فارسی

۸۷ کاربرد میزان دوضربی ترکیبی

۸۸ چند نمونه در وزن‌های دیگر دوضربی ترکیبی

۹۰ آمیزه‌ای از میزان $\frac{8}{8}$ و $\frac{3}{4}$

۹۲ نمونه‌های دیگری از دوضربی ترکیبی

۹۵ چند نمونه در وزن‌هایی نزدیک به ریتم موسیقایی پیشین

گفتار ششم

۱۰۳ میزان‌بندی‌های مختلف برای یک شعر

۱۲۰ اندکی پیچیدگی در ریتم و میزان‌بندی برخی اشعار

۱۳۰ کاربرد سکوت

۱۳۱ مستزاد

چند نمونه از ریتم‌های شعر کلاسیک فارسی ۱۳۲

گفتار هفتم

تکیه‌ی کلمه ۱۳۷

روش به کارگیری تکیه‌ی کلمات فارسی در نغمه‌های آوازی ۱۴۱

تکیه‌ی اصلی کلمات ۱۴۵

جایگاه تکیه در توالی کلمات ۱۴۶

تکیه‌ی ملایم کلمات ۱۴۸

کاربرد تکیه‌ی ملایم کلمات در موارد مختلف ۱۴۸

گفتار هشتم

چگونگی کاربرد تکیه‌ی کلمات در جمله‌های آوازی ۱۵۳

جابه‌جایی نادرست تکیه‌ی کلمات شعر ۱۶۰

نمونه‌ی دیگری از جابه‌جایی نادرست تکیه‌ی کلمات شعر ۱۶۱

توصیه ۱۶۲

اشاره به یک نکته ۱۶۲

گفتار نهم

تأکید ۱۶۵

روش به کارگیری تأکید در ملودی‌های آوازی ۱۶۷

تکرار کلمه ۱۶۹

گفتار دهم

موقعیت تکیه‌ی کلمات در آواز گروهی ۱۷۱

گفتار یازدهم

نگاهی به موسیقی آوازی کودکان ۱۸۳

گفتار دوازدهم

مواردی درباره‌ی آواز و کلام ۱۹۵

گفتار سیزدهم

سخت‌گفتاری برخی کلمات و حروف ۲۰۱

۲۰۵	حروف قریب المخرج	
	گفتار چهاردهم	
۲۰۷	مماهنگی موسیقی آوازی با مفهوم شعر	
	گفتار پانزدهم	
۲۱۳	عَلت (تحریر) در آواز ایرانی	
	گفتار شانزدهم	
۲۱۹	موسیقی آوازی و شعر نو	
۲۲۲	توصیه	
	گفتار هفدهم یادآوری های گوناگون	
۲۲۳	نابرابری امتداد مصوت های معین	
۲۲۵	مصوت ها در زبان فارسی	
۲۲۶	ریتم های گفتاری برخی کلمات	
۲۲۷	حرف « ه » در پایان هجاهاى ممتد	
۲۲۹	جداشدن برخی از هجاها در کلمات	
۲۳۰	جایگاه شعر و آواز	
۲۳۹	کتابنامه	

گفتار دوم

ریتم

ریتم، نخستین و مهم‌ترین عامل مشترک بین شعر و موسیقی آوازی است که در شعر - و به‌طور کلی در کلام - از توالی هجا‌های کوتاه و بلند و در موسیقی از توالی کشش‌های مختلف (مانند سیاه، چنگ، دولاچنگ و غیره) به‌دست می‌آید. همان‌گونه که اشاره رفت، برای آشنایی با قواعد پیوند شعر و موسیقی آوازی ابتدا باید شعری را در نظر بگیریم و سپس آن را برای موسیقی آوازی بنویسیم. بدین جهت لازم است قبلاً شعر - و به‌طور کلی کلام - را از نظر ریتم تجزیه و تحلیل کنیم و ویژگی‌های هجا‌های کوتاه و بلند آن را بشناسیم تا بتوانیم با رعایت ظرافت‌هایی، برابر آن‌ها کشش‌های لازم را در موسیقی آوازی منظور کنیم. اینک برای پیدا کردن وزن (ریتم) شعر تا آن‌جا که در ارتباط با موسیقی کاربرد دارد، به‌اختصار توضیحاتی ذکر می‌شود.

حروف متحرک و ساکن (مصوّت و صامت)

هر بیت شعر از کلمات گوناگون تشکیل یافته و هر کلمه از چند حرف متحرک

۱. تعریف و انواع هجا در ادامه‌ی این گفتار آمده‌است.

و ساکن^۲ ترکیب شده است. در خط فارسی همه‌ی حروف الفبا بی صدا^۳ محسوب می‌شوند و با یکی از مصوت‌های سه‌گانه‌ی «اَ - اِ - اُ»^۴ به حرکت درمی‌آیند. ولی از میان الفبای فارسی فقط سه حرف «الف، ی، واو» علاوه بر این که به صداهای «اَ - اِ - اُ» درمی‌آیند، حروف دیگر را نیز به صدا و حرکت «آ، ای، او»^۵ درمی‌آورند. برای مثال در کلمات «ابر، انسان، امید»، الف (به تعبیر اهل ادب، همزه) به وسیله‌ی مصوت «اَ» در کلمه‌ی «ابر» و «اِ» در کلمه‌ی «انسان» و «اُ» در کلمه‌ی «امید» به حرکت درآمده، ولی در کلمه‌ی «جان»، «الف» حرف صدا دار (مصوت) است که حرف بی صدای «ج» را به صدای «آ» و تلفظ «جا» به حرکت درآورده است. بنابراین حروف «ا، ی، و» زمانی می‌توانند حروف دیگر را به صدای «آ، ای، او» درآورند که دومین حرف هجا قرار گیرند. پس مصوت‌های اصلی در زبان فارسی عبارتند از: «اَ، اِ، اُ» و «آ، ای، او» که سه مصوت اول را «کوتاه» و سه مصوت بعدی را «بلند» می‌نامند. اگر این مصوت‌ها با یکی از حروف بی صدا ترکیب شوند آن حرف را به صدای خود درمی‌آورند و از این رو «متحرک» (مصوت) خوانده می‌شوند. برای نمونه، اگر حرف «ب» پیش از مصوت بلند «الف» قرار گیرد، «با» خوانده می‌شود، یعنی حرف «ب» به حرکت و صدای «آ» درآمده است و آن را متحرک (مصوت) گوئیم و اگر حرف «ب» و امثال آن بعد از «آ» یا یکی دیگر از مصوت‌ها به کار برده شود، بدون حرکت است و آن را «ساکن» (صامت) می‌گوئیم؛ بنا بر این در کلمه‌ی «آب»، حرف متحرک «الف» است که به صدای «آ» درآمده و حرف «ب» ساکن (صامت) است.

مثال‌های دیگر

در کلمه‌ی «دل» حرف «د» به صدا و حرکت «اِ» درآمده و متحرک است، ولی حرف «ل» بدون حرکت و ساکن (صامت) است. به همین ترتیب، کلماتی مانند شب، گل و مشابه آن‌ها از یک حرف متحرک (مصوت) و یک ساکن (صامت)

۲. در عروض مبنای وزن را بر متحرکات و ساکن گذارده‌اند (خانلری، پرویز. همان، ص ۲۵۷).

۳. حروف بی صدا را ساکن یا صامت یا مصمت گویند.

۴. حرکت‌های «اَ - اِ - اُ» را صدا دار کوتاه و یا به بیانی هجای «تند» گویند که معمولاً جزو حروف الفبای فارسی نوشته نمی‌شوند.

۵. «آ، ای، او» را صدا دار بلند و به بیانی هجای «کُند» گویند که جزو الفبا نوشته می‌شوند.

تشکیل شده‌اند و یا در کلمه‌ی درخشان، حروف «د، ر، ش» متحرک و حروف «خ، ن» ساکن‌اند. بنا بر این در کلمات فارسی تمام حروفی که به صدای یکی از مصوت‌های شش‌گانه‌ی «ت، ی، ا، آ، ای، او» درآیند، «متحرک» (مصوت) و حروف دیگری که حرکت ندارند «ساکن» (صامت) نامیده می‌شوند. اینک با شناخت حروف متحرک و ساکن (مصوت و صامت) به تعریف هجا می‌پردازیم.

هجا

هجا یا سیلاب^۶ بخشی از یک کلمه است که به تنهایی قابل تلفظ باشد.^۷ کلمات یک‌هجایی نیز یک بخش یا یک هجا محسوب می‌شوند. در کتاب فنون و صنایع ادبی (عروض)^۸ درباره‌ی هجا چنین آمده‌است: «هجا (بخش) یک واحد گفتار است که با هر ضربه‌ی هوای ریه به بیرون رانده می‌شود. در زبان فارسی هر هجا دارای یک مصوت است که دومین حرف هجاست، لذا در هر گفته به تعداد مصوت‌ها هجا وجود دارد. مثلاً کلمه‌ی «پَر» یک‌هجایی و کلمه‌ی «پَر-وا» دو‌هجایی و کلمه‌ی «پَر-وا-نه» سه‌هجایی و کلمه‌ی «آ-زا-د-گی» چهارهجایی است». بنا بر این در هر هجا بیش از یک مصوت وجود ندارد.

این نکته نیز قابل توجه است که در زبان فارسی کنونی یک یا چند حرف ساکن (صامت) بدون مصوت قابل تلفظ نیست و نمی‌تواند هجایی را تشکیل دهد.^۹

Syllable .۶

۷. دکتر خانلری در تعریف هجا چنین نوشته‌است: «حروف، اجزای اولی کلمه است اما هیچ‌یک از این اجزاء تنها در کلام نمی‌آید و کوچک‌ترین جزئی که به تنهایی قابل تلفظ باشد ترکیب و تألیفی از چند حرف است. (همان، ص ۱۳۶).

۸. وحیدیان کامیار، تقی. فنون و صنایع ادبی (عروض)، سال چهارم آموزش متوسطه. تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۵، ص ۴.

۹. در برخی از زبان‌ها کلماتی به کار می‌روند که ابتدا به ساکن هستند و با مصوت و یا حرف صدا دار آغاز نمی‌شوند. مانند کلمه‌ی «Stop» به معنای «ایست، توقف» که در انگلیسی و آلمانی بعد از «s»، مصوتی به کار نرفته‌است و باید آن را به همراه حرف بعدی تلفظ کرد. همچنین کلمه‌ی ایتالیایی «Sforzando» که در موسیقی «شدت ناگهانی» صدا را نشان می‌دهد و از نظر تلفظ موقعیتی مشابه کلمه‌ی پیشین دارد. در بعضی از زبان‌های گذشته‌ی ایران زمین از جمله فارسی میانه نیز چنین مواردی به کار می‌رفته‌است. از جمله کلمه‌ی «فَرَوَهَر» (Fravahr) به معنای «نیروی تعالی، نیروی پیشرفت» که بعد از حرف «ف» (F) مصوتی نیامده‌است. با تشکر از آقای رستم وحیدی (تنظیم‌کننده‌ی مجله‌ی فروهر) که معانی مربوط به کلمه‌ی «فروهر» را توضیح دادند.

اینک با توجه به توضیحات ذکر شده و شناخت هجا، با انواع آن در ارتباط با موسیقی آوازی آشنا می شویم.

انواع هجا

۱. هجای کوتاه

هجایی است که از یک حرف و یک مصوت کوتاه «= =» ترکیب شده باشد، مانند:

حرف «ت» در کلمه‌ی «توانا» که از ترکیب «ت+» و حرف «غ» در کلمه‌ی «ارغنون» که از ترکیب «غ+» حاصل شده است. حرف «س» در کلمه‌ی «سپهر» که از ترکیب «س+» و حرف «د» در کلمه‌ی «زندگانی» که از ترکیب «د+» حاصل شده است. حرف «خ» در کلمه‌ی «خجسته» که از ترکیب «خ+» و حرف «گ» در کلمه‌ی «رهگذر» که از ترکیب «گ+» حاصل شده است. کلمات «ن» (=ن)، تو (=ت)، دو (=د) و مشابه آن‌ها نیز یک هجای کوتاه محسوب می شوند.^{۱۰}

۲. هجای بلند

هجای بلند دو صورت دارد:

الف) دو حرف که یک مصوت کوتاه در وسط قرار گرفته باشد. به بیان دیگر هجای کوتاهی که یک حرف صامت به دنبال داشته باشد، مانند:

سر = س + = + ز

دل = د + = + ل

رخ = ر + = + خ

ب) یکی از مصوت‌های بلند (آ، ای، او) به تنهایی در آن به کار رفته باشد، مانند:

«آ» در کلمه‌ی «آدم»

«ای» در کلمه‌ی «ایران»

«او» ضمیر سوم شخص مفرد

۱۰. وحیدیان کامیار، تقی. فنون و صنایع ادبی، ص ۵.



مؤسسہٴ فرهنگی - هنری ماہور
Mahoor Institute of Culture and Arts
www.mahoor.com - info@mahoor.com

